



Explanation of Influential Components on Improving the Interior Space of Apartment Housing with an Emphasis on the Quality of Spaciousness (Based on Residents' Perspectives)

Farhad Chegeni¹, Mohsen Afshari²

Received: 2025-01-28, Accepted: 2025-08-05

DOI: 10.22034/RAU.2025.2051841.1143

Abstract

Today, most of our living spaces in cities are apartments, small apartments with limited spatial dimensions. The significant reduction in the quantitative dimensions of apartments in urban environments due to urbanization growth, increasing land prices, and construction costs has become a concern for users and designers.

The reduction in apartment dimensions makes residential interior spaces with large and spacious areas desirable for residents. One of the spatial qualities that contributes to an enhanced sense of the interior space and creates satisfaction among apartment residents is the use of spaciousness. The focus of the present study is to understand the spatial physical components that affect the quality of spaciousness, to improve the interior space of apartment housing from the residents' perspective. Spaciousness is a spatial quality that can be utilized to enhance the interior space of apartment housing and contribute to the desirability and satisfaction of residents within the apartment space. However, given the importance of understanding the quality of spatiality and its influential components concerning improving the interior spaces of apartment housing, research that has so far addressed this spatial concept has focused chiefly on physical components and has paid less attention to spatial components that influence the quality of spatiality. The present study aims to identify the physical spatial components that affect the quality of spatiality in apartment housing, which provide favorable conditions for residents in the interior space of apartment housing and lead to their satisfaction. Given the complex and multidimensional

1. Ph.D. Student in Architecture, Art University of Isfahan, Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan, Iran.

Email: efarch313@gmail.com

 0000-0002-8883-3271

2. Associate Professor, Art University of Isfahan, Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan, Iran (Corresponding author).

Email: m.afshary@aui.ac.ir

 0000-0003-1244-5608



nature of the research topic, it can be said that this study deals with an in-depth understanding and analysis of the qualitative and value load of components related to improving the quality of the interior space of apartment housing based on the lived experience of residents; therefore, it is an exploratory study. The research approach is qualitative. A qualitative approach is practical for studying human-environmental phenomena. A qualitative approach can be employed to study phenomena such as emotions and mental processes that are challenging to understand using conventional research methods. Since the research topic aims to understand the factors affecting the quality of spatiality from the residents' perspectives and their lived experiences, the research methodology is phenomenology. The phenomenological method is employed in the classification of methods related to the qualitative approach, which aims to understand and explain patterns among individuals based on their lived experiences. The data obtained from the interviews in the present study are analyzed using the thematic analysis (TA) approach. This method involves analyzing and describing the perspectives of the participants (in this study, the residents). Thematic analysis focuses on the context within which the data is situated. Therefore, based on this analysis method, the researcher can systematically collect people's perceptions and interpretations with greater accuracy and sensitivity in relation to a phenomenon, utilizing a range of data. The statistical population of the study consists of 15 residents from a typical apartment building in Borujerd city, who were purposefully selected. The method used to analyze the data obtained from the interviews with residents is thematic analysis. Thematic analysis, a qualitative method in data analysis, categorizes patterns to understand users' experiences of environmental characteristics based on their lived experiences. To explain the components of spatial quality from the residents' perspective, a six-step thematic analysis (TA) method is employed. Semi-structured interview questions from residents of a typical apartment building in Borujerd are categorized into three levels: 1- Descriptive information to control for social, cultural, economic, and individual variables. 2- Designing categorized questions based on the components obtained from the research literature as a starting point and preliminary fieldwork, and 3- Questions related to what components make the interior space of the house appear larger (perceived larger) and the satisfaction of its residents, regardless of the components obtained from the research literature. The results of the study indicate that the use of physical spatial components —spatial dimensions, spatial properties, spatial organization, spatial details, and the characteristics associated with each of these components —leads to the desirability of the interior space for residents and contributes to their satisfaction.

Keywords: Spaciousness quality, Apartment building, Interior space, thematic analysis

تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی با تکیه بر کیفیت فضامندی (بر اساس دیدگاه ساکنان)^۱

فرهاد چگنی^۲، محسن افشاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۱۴

DOI: 10.22034/RAU.2025.2051841.1143

چکیده

امروزه غالب فضاهای زندگی ما در سطح شهرها به صورت آپارتمانی است؛ آپارتمان‌هایی کوچک با ابعاد فضایی محدود. این در حالی است که کاهش چشم‌گیر ابعاد کمی آپارتمان‌ها در محیط‌های شهری به دلایل رشد شهرنشینی، افزایش قیمت زمین و هزینه‌های ساخت به دغدغه کاربران و طراحان تبدیل شده است. کاهش ابعاد فضا در آپارتمان‌ها، فضاهای داخلی مسکونی برخوردار از بزرگی و فراخی را مطلوب ساکنان می‌نماید. یکی از کیفیت‌های فضایی که سبب بزرگی فضای داخلی شده و موجب ایجاد رضایتمندی در ساکنان مسکن آپارتمانی می‌شود، بهره‌گیری از کیفیت فضامندی است. تمرکز پژوهش حاضر، فهم مؤلفه‌های کالبدی فضایی مؤثر بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی با تکیه بر کیفیت فضامندی بر اساس دیدگاه ساکنان می‌باشد. بستر پژوهش به مسکن آپارتمانی متداول در شهر بروجرد محدود شده است. در همین راستا پژوهش حاضر از رویکرد کیفی بهره می‌برد. جامعه آماری پژوهش ۱۵ نفر از ساکنان مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد هستند که به صورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند. روش تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با ساکنان، روش تحلیل تماتیک است. تحلیل تماتیک به عنوان روشی کیفی در تحلیل داده‌ها با دسته‌بندی کردن الگوها به شناخت تجربه کاربران از خصوصیات محیط بر اساس تجربه زیسته آنان می‌پردازد. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که بهره‌گیری از مؤلفه‌های کالبدی فضایی: ابعاد فضایی، خاصیت فضایی، سازمان فضایی و جزییات فضایی و خصوصیات مرتبط با هریک از این مؤلفه‌ها، موجب مطلوبیت فضای داخلی برای ساکنان شده و رضایتمندی آنها را در پی دارد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت فضامندی، مسکن آپارتمانی، فضای داخل، تحلیل تماتیک

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «ارزیابی رضایتمندی ساکنین در مسکن آپارتمانی با تکیه بر مؤلفه‌های فضامندی (مطالعه موردی: آپارتمان‌های متداول شهر بروجرد) می‌باشد که با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: efarch313@gmail.com

 0000-0002-8883-3271

۳. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: m.afshary@au.ac.ir

 0000-0003-1244-5608



مقدمه

است که آنچه در ارتباط با کالبد اهمیت دارد، بهبود عناصر کالبدی به منظور پاسخگویی به نیازهای ساکنان بوده که این مهم، از طریق توجه به مؤلفه‌های فضایی میسر می‌شود.

هدف پژوهش حاضر، شناخت مؤلفه‌های کالبدی فضایی مؤثر بر کیفیت فضاوندی در مسکن آپارتمانی می‌باشد که شرایط مطلوبی را برای ساکنان در فضای داخلی مسکن آپارتمانی مهیا کرده و رضایتمندی آنها را در پی دارد. بستر پژوهش حاضر آپارتمان‌های مسکونی متداول شهر بروجرد است. آپارتمان‌های متداول در شهر بروجرد به مسکن آپارتمانی سه تا پنج طبقه که ورودی، پله ارتباطی و فضای باز مشترک دارند، اطلاق می‌شود. در همین راستا سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

- مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاوندی کدام هستند؟

- مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاوندی از دیدگاه ساکنان مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین انجام‌شده را می‌توان براساس اهداف مورد انتظار پژوهش در دو دسته قرار داد:

الف. فهم عوامل مؤثر در بهبود کیفیت محیط مسکونی به‌خصوص فضای داخلی مسکن آپارتمانی (Howden-Chapman *et al.*, 2023; Wimalasena *et al.*, 2021; Mouratidis, 2021; Short & Bassett, 2021; Glaeser & Gyourko, 2018; Sima, 2015; Zanuzdana, 2013; رحمانیانی (۱۴۰۱)، ضرابی الحسینی (۱۴۰۰)، رضایی‌خوشان و نعمتی‌مهر (۱۴۰۰)، قلمبردزفولی و همکاران (۱۳۹۷)، مسگرانی و همکاران (۱۳۹۷))؛ در این پژوهش‌ها به شناخت ابعاد مؤثر مانند برنامه فیزیکی (زیربنا و مساحت، ابعاد فضاها و تعداد اتاق‌ها)، الگوی پلان (هندسه و تناسب پلان، عرصه‌بندی عمومی و خصوصی، سازمان‌دهی فضاها و انعطاف‌پذیری فضاها)، بهداشت و آسایش زیست‌محیطی (بازشوها، نور و تهویه و عایق و ایزولاسیون)، تجربه فضا (وجود فضای باز و نیمه‌باز، کیفیت بصری و دید و منظر)، ساختار بنا (مصالح، استحکام و فن ساختمان، کیفیت امکانات تأسیساتی) و زیبایی‌شناسی (نما، فرم معماری داخلی، تزئینات معماری داخلی) به شناخت ابعاد مؤثر در بهبود کیفیت محیط‌های مسکونی (به‌ندرت فضای داخلی مسکن) پرداخته شده است.

رشد شهرنشینی، گران‌تر شدن قیمت زمین و مسکن در شهرها، افزایش سایر هزینه‌های زندگی، تورم بالا و درآمد پایین و نیز عوامل دیگری مانند مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر و رقابت برای دست یافتن به زندگی بهتر، همه سبب بی‌توجهی به ابعاد کیفی زندگی انسان و افزایش مشکلات در محیط‌های مسکونی شده است (Weimann & Oni, 2019: 2). نخستین تأثیر این فرایند، کاهش ابعاد فضای زندگی از حدود استاندارد می‌باشد تا به واسطه آن، شرایط خرید یا اجاره فضا برای کاربران، با وضعیت آنها متناسب گردد. این در حالی است که عدم توجه به فضای داخلی مسکن به عنوان عرصه‌ای تأثیرگذار در رابطه با ساکنان (Mabzor, 2021: 19) سبب نارضایتی در افراد می‌شود. امروزه غالب فضاهای زندگی ما در سطح شهرها به صورت آپارتمانی است؛ آپارتمان‌هایی کوچک با ابعاد فضایی محدود. در آپارتمان‌ها با افزایش تراکم شهری و کاهش ابعاد فضاهای داخلی، عرصه بر زندگی ساکنان تنگ شده است. مطالعات فیزیولوژیک هایدگر و تئوری فضای شخصی هال ثابت کرده است که افراد از تجربه و روبه‌رو شدن با فضاهای تنگ بخصوص در فضای داخل مسکن، گریزان هستند (Graziano & Cooke, 2006: 846). ازجمله راهکارهای رفع معضل تنگی فضا، اقدام به تغییر در خصوصیات فیزیکی فضا به منظور تعدیل ادراک و بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضا برای کاربران است. شاخص‌هایی به منظور مطلوبیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی وجود دارد که یکی از شاخص‌های تأثیرگذار، بهره‌گیری از کیفیت فضاوندی است. کیفیت فضاوندی به دنبال ایجاد مطلوبیت فضای داخلی برای ساکنان از طریق ایجاد تغییرات در مؤلفه‌های کالبدی فضای داخل و بزرگ‌تر به نظر رسیدن آن است (Diker & Demirkan, 2022: 3).

فضاوندی کیفیت فضایی بوده که به کمک بهره‌گیری از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن می‌توان به فضای داخلی مسکن آپارتمانی کیفیت بخشید و در جهت مطلوبیت فضا و رضایتمندی ساکنان در فضای داخلی مسکن آپارتمانی، گام برداشت. اما با توجه به اهمیت شناخت کیفیت فضاوندی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در ارتباط با بهبود فضاهای داخلی مسکن آپارتمانی، پژوهش‌هایی که تاکنون به این مفهوم فضایی پرداخته غالباً متمرکز بر مؤلفه‌های کالبدی بوده و کمتر به مؤلفه‌های فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاوندی پرداخته شده است. این در حالی

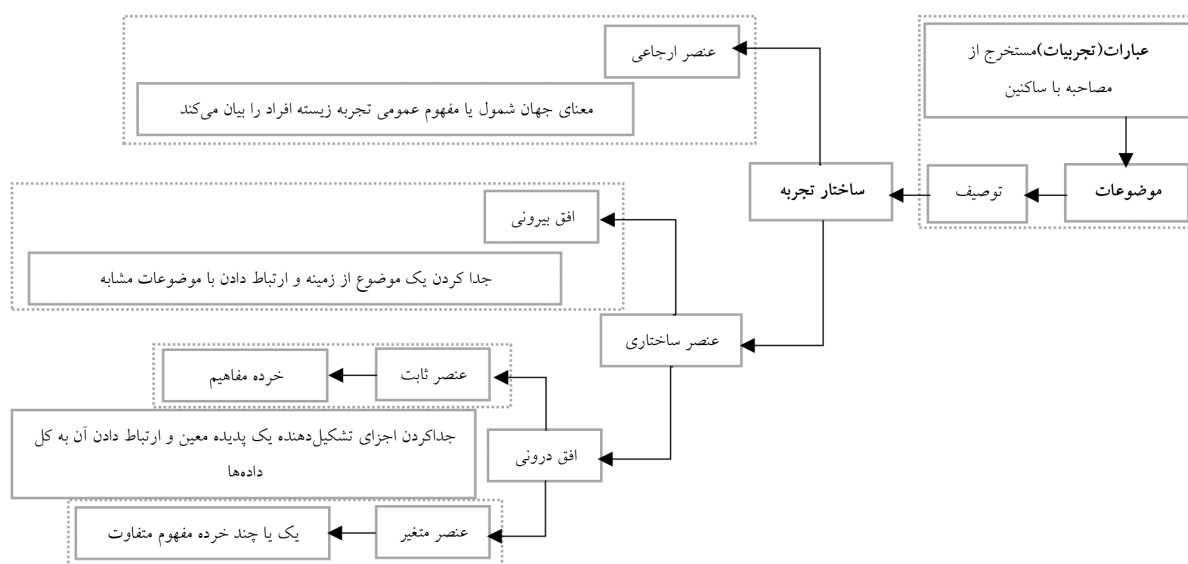
اساسی در حوزه مسکن، توجه به نیازهای فضایی ساکنان به منظور تأمین سکونت مطلوب است؛ در پژوهش حاضر تلاش شده تا مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاامندی به منظور ارتقای کیفیت فضای داخلی مسکن از دیدگاه ساکنان مسکن آپارتمانی بر اساس تجربه زیسته آنها مشخص گردد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پیچیده و چندبعدی بودن موضوع پژوهش، می‌توان گفت این مطالعه با شناخت عمیق و تحلیل بار ارزشی مؤلفه‌های مرتبط با بهبود کیفیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی بر اساس تجربه زیسته ساکنان سروکار دارد؛ بر همین اساس رویکرد پژوهش، کیفی است. رویکرد کیفی برای مطالعه پدیده‌های انسانی-محیطی مؤثر است. رویکرد کیفی را می‌توان برای به دست آوردن پدیده‌هایی نظیر احساس و فرایندهای ذهنی به کار برد که آموختن در رابطه با آنها توسط روش‌های متعارف پژوهش دشوار است (استراس و کوربین، ۱۳۹۸: ۳۳). از آنجاکه حیطه پژوهش فهم مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت فضاامندی بر اساس دیدگاه ساکنان و تجربه زیسته آنها می‌باشد؛ رویکرد کیفی پژوهش بر مبنای روش پدیدارشناسی است. روش پدیدارشناسی در دسته‌بندی روش‌های مرتبط با رویکرد کیفی، به منظور فهم و تبیین الگوها در میان افراد بر اساس تجربه

ب. تبیین مؤلفه‌های کیفیت فضاامندی در فضاهای داخلی: (Nishihara et al., 2023; Wang et al., 2020; AL Zam-il, 2017; Bokharai & Nasar, 2016; Von Castell et al, 2014; Ozdemir, 2010; Stamps, 2005; 2007; 2011; 2013، بخارائی، ۱۴۰۱ و ۱۳۹۴)؛ پژوهش‌های دسته دوم به صورت محدود، تنها به معرفی مؤلفه‌های کالبدی تأثیرگذار بر کیفیت فضاامندی در کاربری‌های مختلف (اتاق، گالری، خیابان و...) پرداخته‌اند.

بر اساس آنچه در پیشینه پژوهش ذکر گردید؛ در رابطه با مطالعات صورت گرفته، کیفیت بخشی به فضای داخل مسکن، به ندرت مورد توجه قرار گرفته شده و به صورت کلی مؤلفه‌های مرتبط با کیفیت بنای ساختمان مسکونی مد نظر قرار گرفته شده است. در خصوص کیفیت فضاامندی (پژوهش‌های داخلی و خارجی)، تنها به معرفی محدود مؤلفه‌های کالبدی کیفیت فضاامندی پرداخته‌اند. همچنین در ارتباط با محیط‌های مورد بررسی می‌توان بیان داشت که در پژوهش‌های انجام شده پیشین، کمتر به سنجش و ارزیابی فضای داخلی مسکن پرداخته شده است. حال در پژوهش پیش رو، علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی، مؤلفه‌های تأثیرگذار فضایی نیز به منظور شناخت تأثیرگذاری آنها بر کیفیت فضاامندی در بستر مسکن آپارتمانی شهر بروجرد مد نظر است. از آن جا که یکی از اهداف



تصویر ۱. فرایند دستیابی به ساختار تجربه زیسته ساکنان از فهم کیفیت فضاامندی بر اساس پدیدار شناسی.



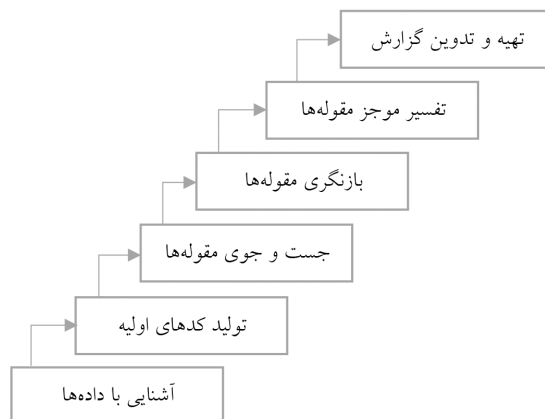
حجم نمونه تا زمان اشباع نظری داده‌ها ادامه یافته است. این موضوع یعنی جریان مصاحبه‌ها و انتخاب نفرات تا زمان تکراری شدن پاسخ‌ها و نبود داده‌های تازه برقرار بوده است. همچنین با توجه به این نکته که با افزایش سن افراد، شناخت و تصمیم‌گیری در خصوص شناخت تجربه‌های آنها در رابطه با قابلیت‌های خانه تغییر می‌کند (Mather & Ponzio, 2016: 152) در این پژوهش گروه سنی ۲۰ تا ۶۰ سال که متشکل از ۹ زن و ۶ مرد می‌باشد؛ جامعه آماری پژوهشی ساکنان را تشکیل می‌دهند (جدول ۱). همچنین به منظور تبیین بهتر هدف اصلی پژوهش از تجارب متنوع ساکنان بهره گرفته شده و مصاحبه‌شوندگان از لحاظ مدت حضور در محیط مورد مطالعه (مسکن آپارتمانی)، با سابقه حضور حداکثر (بالای ۵ سال)، انتخاب شده‌اند.

مطالعه بستر پژوهش

شهر بروجرد، از نظر تقسیمات سیاسی متعلق به استان لرستان و در غرب کشور واقع شده است. این شهر دومین شهر بعد شهر خرم‌آباد در استان لرستان از لحاظ جمعیتی بوده و دارای جمعیتی بیش از ۴۵۰ هزار نفر می‌باشد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۳). وسعت محدوده قانونی شهر بروجرد بالغ بر ۳۷۱۹ هکتار بوده که به سه منطقه شهرداری و ۱۷ ناحیه که شامل ۳۶ محله می‌باشد، تقسیم شده است (تصویر ۳). با بررسی روند پیشین و جاری تغییرات کالبدی در شهر بروجرد می‌توان گفت افزایش قیمت ملک، ورود بی‌رویه مهاجرین، افزایش سرعت

زیسته آنها به کار می‌رود (Tesch, 2013: 168). پدیدارشناسان، تجارب یا مفاهیم ذهنی افراد را به صورت کلی بررسی نمی‌کنند، بلکه برای تجارب افراد ساختار و چارچوبی قائل هستند. تجربه دو جنبه درهم‌تنیده دارد: جنبه ارجاعی، که معنای جهان‌شمول یا عمومی موضوع مفهوم‌سازی شده را نشان می‌دهد و جنبه ساختاری که آمیزه خاصی از ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که بر روی آن تمرکز شده است (Marton & Yan Pong, 2005: 341). اجزای ساختاری تجربه افراد دارای دو بخش افق درونی و افق بیرونی است: افق بیرونی (مرز ادراکی) جدا کردن یک موضوع از زمینه آن و ارتباط دادن آن با زمینه‌های مشابه یا دیگر زمینه‌هاست. افق درونی (کانون توجه) شامل جدا کردن اجزای تشکیل‌دهنده یک پدیده معین و ارتباط دادن آنها با یکدیگر و یا کل پدیده است (Svensson, 1984: 193). (تصویر ۱)

داده‌های حاصل از مصاحبه پژوهش حاضر بر اساس تحلیل تماتیک (TA) که روشی مبتنی بر تحلیل و توصیف دیدگاه شرکت‌کنندگان (در پژوهش حاضر ساکنان) است؛ تحلیل می‌شوند (Smith & Firth, 2011: 53). در تحلیل تماتیک به بافت داده‌ها توجه می‌شود. بنابراین بر اساس این روش تحلیل، پژوهشگر می‌تواند از گستره‌ای از داده‌ها به صورت نظام‌مند استفاده کند تا برداشت و تفاسیر افراد از دقت و حساسیت بیشتری در ارتباط با یک پدیده جمع‌آوری شود (Boyatzis, 1998). با توجه هدف پژوهش که فهم مؤلفه‌های کیفیت فضامندی بر اساس دیدگاه ساکنان در مسکن آپارتمانی است، تحلیل تماتیک به منظور تحلیل داده‌های حاصل از تجارب ذهنی پاسخ‌دهنده (بر اساس روش پدیدارشناسی) روش مناسب و قابل اتکایی است (Guest, 2012: 87). فرایند تحلیل تماتیک به صورت کلی شامل شش گام آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مقوله‌ها، بازنگری مقوله‌ها، تفسیر موجز مقوله‌ها و درنهایت تهیه و تدوین گزارش بسط می‌یابد. (تصویر ۲) کرسول، تعداد نمونه‌های مکفی را در رویکرد پدیدارشناسی، خصوصاً در مصاحبه عمیق ۱۰ نفر می‌داند (قاسمی، ۱۴۰۰: ۴۱۵). در پژوهش حاضر نیز به منظور کشف مؤلفه‌های کیفیت فضامندی در دیدگاه ساکنان بر اساس تجربه زیسته آنان، تعداد ۱۵ نمونه به صورت هدفمند انتخاب شد که خانه‌های آنان حداقل کیفیت مورد نظر را داشته و درعین حال ساکنان به شرایط محیط زندگی‌شان حساسیت‌های قابل قبولی داشته و نیز ساکنان آنها تمایل به مصاحبه عمیق داشته باشند. انتخاب تعداد نمونه‌ها و



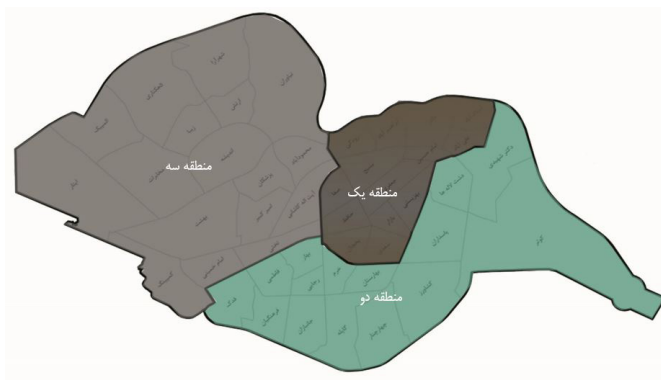
تصویر ۲. گام روش تحلیل تماتیک داده بر اساس چارچوب براون و کلارک (Braun & Clarke, 2013).

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان.

شناسه	نام	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	مالکیت	نوع ساختمان	مساحت (مترمربع)
M1H2	رحمانی	کارشناسی ارشد	آزاد	مجرد	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۰۰
M2H4	شیرویه	کارشناسی	کارمند	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۱۰
M3H9	بهلولی	کارشناسی	آزاد	مجرد	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۹۰
M4H10	کاکاوند	کارشناسی	آزاد	مجرد	مالک	آپارتمانی ۴ طبقه	۸۵
M5H11	حیدری	کارشناسی ارشد	آزاد	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۲۰
M6H13	جمالی	کارشناسی	کارمند	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۱۰
FM1H1	محمودی	کارشناسی ارشد	مدرس	مجرد	مالک	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۲۵
FM2H3	گودرزی	دیپلم	منشی	مجرد	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۹۰
FM3H5	عرب	کارشناسی ارشد	دیپلم	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۹۵
FM4H6	شعاعی	کارشناسی	کارمند	متأهل	مالک	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۰۵
FM5H7	گل‌پرور	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۰۵
FM6H8	حسینی	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۸۰
FM7H12	جماعتی	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۰۰
FM8H14	امیرسرداری	کارشناسی	خانه‌دار	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۰۵
FM9H15	مهرجو	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۲۵

براین اساس بستر پژوهش مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد در منطقه دو شهری انتخاب شده است. مطابق بررسی صورت گرفته مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد، مسکن آپارتمانی سه تا پنج طبقه با متراژ مشخص ۱۵۰-۸۰ متر که ورودی، پله ارتباطی و فضای باز مشترک داشته، هستند. بیشترین فراوانی و بیشترین رشد واحدهای مسکونی برحسب زیربنا در سال‌های اخیر در شهر بروجرد به آپارتمان‌های مسکونی با متراژ ۱۵۰-۸۰ مترمربع

تخریب خانه‌های ویلایی و خانه باغ‌ها، کسب درآمد از طریق نوسازی و آپارتمان‌سازی، منجر به نابودی کیفیت‌های محیطی و هویت محلی و افزایش سرعت آپارتمان‌سازی در شهر بروجرد گشته است. این روند از شدت و ضعف در بخش‌های مختلف شهری و محلات برخوردار بوده است. گردآوری داده‌ها از مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد به روش مطالعات اسنادی و در قالب طرح جامع حاصل شده است.



تصویر ۳. تقسیم‌بندی شهر بروجرد بر اساس مناطق شهری.



نیازهای ساکنان، بر کسی پوشیده نیست؛ یکی از انتقادهای مهم در خصوص بهبود کیفیت محیط‌های مسکونی، عدم توجه به فضای داخلی و اشاره کم به آن است (Stevenson & Prout, 2013: 142). درحقیقت آنچه باعث ارتقای کیفی محیط مسکونی شده و رضایتمندی ساکنان را در پی دارد، توجه به فضای داخلی مسکن است (Garcia Mira et al., 2017: 95) که باعث ایجاد تغییرات داخلی بر اساس نیازهای ساکنان می‌شود؛ چراکه اولین کارکرد مسکن، ایجاد فضایی مطلوب و لذت‌بخش برای ساکنان خود است (Perolini, 2011:5). شاخص‌هایی به منظور مطلوبیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی وجود دارد که یکی از شاخص‌های تأثیرگذار، بهره‌گیری از

اختصاص دارد (مرکز آمار، ۱۳۹۵). همچنین دلیل انتخاب منطقه دو، محیط مسکونی غالب آپارتمانی و همچنین سابقه سکونت آپارتمان‌نشینان در آن بوده که موجب تحقق بهتر اهداف پژوهش می‌گردد. ساکنان محلات منطقه دو به دلیل برخورداری نسبی از تمکن اقتصادی، در مورد انتخاب شیوه‌های معماری محل سکونت خود از آزادی نسبی برخوردار می‌باشند. در ادامه تصاویر مساکن آپارتمانی انتخابی آورده شده است (جدول ۲).

ادبیات پژوهش شناخت کیفیت فضامندی

اهمیت توجه به فضای داخلی مسکن، به منظور پاسخگویی به

جدول ۲. تصاویر مساکن انتخابی پژوهش.

تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف
	نمونه موردی ۳		نمونه موردی ۲		نمونه موردی ۱
	نمونه موردی ۶		نمونه موردی ۵		نمونه موردی ۴
	نمونه موردی ۹		نمونه موردی ۸		نمونه موردی ۷

ادامه جدول ۲. تصاویر مسکن انتخابی پژوهش.

تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف
	نمونه موردی ۱۲		نمونه موردی ۱۱		نمونه موردی ۱۰
	نمونه موردی ۱۵		نمونه موردی ۱۴		نمونه موردی ۱۳

دست آمده است؛ ویژگی‌های فضایی کیفیت بخش به فضای داخلی مسکن نیز مد نظر قرار می‌گیرند. (جدول ۳)
بر اساس مطالعات صورت گرفته در پژوهش حاضر، مؤلفه‌هایی که بر کیفیت فضامندی تأثیرگذار هستند، ارائه شده‌اند. مؤلفه‌های ارائه شده به دو دسته کالبدی و فضایی قابل تقسیم هستند. لازم به توضیح است که مؤلفه‌های کالبدی معرفی شده (ردیف ۹ تا ۱۰) از طریق مرور منابع مرتبط با موضوع فضامندی استخراج گردیده است. مؤلفه‌های فضایی (ردیف ۱۰ تا ۲۵) به صورت مرور منابع مرتبط و نظرخواهی از اساتید مرتبط با حوزه روانشناسی محیط مشخص شده‌اند. در ادامه و به کمک روش تحلیل تماتیک، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی بر اساس کیفیت فضامندی در مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد مشخص می‌شود.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش روش تحقیق مشخص شد، به منظور تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی بر اساس کیفیت فضامندی از دیدگاه ساکنان از روش تحلیل

کیفیت فضامندی است. فضامندی، کیفیت فضایی بوده که بهره‌گیری از آن سبب فراخ‌تر نشان دادن فضای داخلی شده و رضایتمندی افراد را در پی دارد (Stamp, 2013: 866).

پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص کیفیت فضامندی (داخلی و خارجی)، تنها به بررسی محدود مؤلفه‌های کالبدی مؤثر در ایجاد کیفیت فضامندی پرداخته‌اند. حال در پژوهش حاضر، علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی، مؤلفه‌های تأثیرگذار فضایی نیز به منظور بهبود کیفیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی در نظر گرفته شده است. یکی از اهداف اساسی در حوزه مسکن، توجه به نیازهای فضایی ساکنان به منظور تأمین سکونت مطلوب است (اصغرخواه فرخوانی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۴). این در حالی است که فضا از طریق عناصر و ویژگی‌های آن ساخته شده که همان کالبد است؛ اما آنچه در ارتباط با کالبد اهمیت دارد، بهبود عناصر کالبدی به منظور پاسخگویی به نیازهای افراد بوده که این مهم، از طریق توجه به ویژگی‌های فضایی میسر می‌شود. بنابراین در پژوهش پیش رو، به منظور شناخت غنی‌تر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت فضامندی، علاوه بر ویژگی‌های کالبدی که از طریق مرور اسناد و منابع معتبر به



جدول ۳. مؤلفه‌های کالبدی فضایی مرتبط با کیفیت فضا مندی.

مؤلفه کالبدی فضایی	ردیف	اسامی مؤلفه‌ها	منابع
مؤلفه‌های کالبدی	۱	مساحت فضا	Stamps, 2007, 2011, 2013; Franz et al., 2005
	۲	روشنایی فضا	AlZamil, 2017, Unlu et al., 2022
	۳	تناسبات کف	Stamps, 2011
	۴	ناهمواری جداره فضا	Stamps & Krishnan, 2004, 2006
	۵	ارتفاع فضاها	Hayward and Franklin, 1974
	۶	نفوذپذیری جداره فضا	Stamps, 2005, 2009
	۷	چینش مبلمان	Meagher & Marsh, 2015
	۸	بافت جداره	Wang et al., 2020, Unlu et al., 2022
	۹	استقرار بازشوها	Nishihara et al., 2023
مؤلفه‌های فضایی	۱۰	انعطاف‌پذیری	(عینی‌فر، ۱۳۸۲؛ غروی الخوانساری، ۱۳۹۷)
	۱۱	سلسله مراتب فضایی	(چینگ، ۱۳۹۳؛ فون مایس، ۱۳۹۰؛ سلطان‌زاده، ۱۳۹۰)
	۱۲	روابط فضایی	(میرسلامی و همکاران، ۱۴۰۰؛ الکساندر، ۱۳۹۶)
	۱۳	هدایت و جهت‌یابی فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۱۴	تناسبات و مقیاس فضاها	(الکساندر، ۱۳۹۶)
	۱۵	هماهنگی و تعادل	(چینگ، ۱۳۹۳؛ فون مایس، ۱۳۹۰)
	۱۶	ترکیب فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۱۷	پیوستگی فضایی	(گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲؛ معماریان، ۱۳۸۴)
	۱۸	تفکیک فضایی	(زنگنه و همکاران، ۱۳۹۹)
	۱۹	بسط نوری فضا	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵؛ نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲)
	۲۰	بسط چشم‌اندازی فضا	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵؛ نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲)
	۲۱	تمایز فضایی	(الکساندر، ۱۳۹۶)
	۲۲	تنوع فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۲۳	بسط فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۲۴	گشایش فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۲۵	پویایی فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵؛ معماریان، ۱۳۸۴)

فضای داخلی در خانه و رضایتمندی ساکنان آن می‌شود. در ادامه مراحل و یافته‌های پژوهش بر اساس شش مرحله تحلیل تماتیک تشریح می‌شود.

۱. **آشنایی با داده‌ها:** به منظور استخراج الگوهای معنا از دل داده‌ها، گام اول آشنایی عمیق با داده‌هاست؛ به این معنی که پژوهشگر با مطالعه فعال و مرور مکرر داده‌ها در آن غرق شده و به عمق و غنای داده‌ها مسلط شود. در پژوهش حاضر، پیاده‌سازی داده‌های حاصل از مصاحبه و تبدیل آن به متن، روندی وقت‌گیر، اما مفید برای آشنایی با تمامی داده‌هاست. این

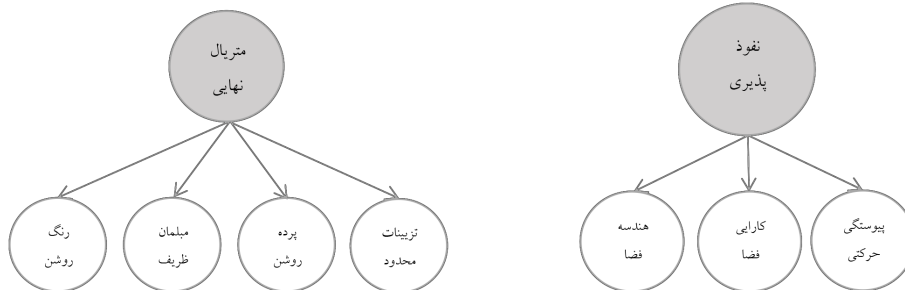
تماتیک (TA) در شش مرحله استفاده می‌شود. سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از ساکنان مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد در سه سطح دسته‌بندی می‌شوند: ۱- اطلاعات توصیفی به منظور کنترل متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فردی. ۲- طرح سؤالات طبقه‌بندی‌شده بر اساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده ادبیات پژوهش به عنوان نقطه عزیمت و کار میدانی مقدماتی و ۳- سؤالاتی در رابطه با بدون در نظرگیری مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از ادبیات پژوهش، چه مؤلفه‌هایی موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن (بزرگ‌تر ادراک شدن)

جدول ۴. نمونه‌ای از کدهای استخراجی برگرفته از مصاحبه با ساکنان.

کدهای مستخرج شده	داده‌های مصاحبه
اتاق خواب بزرگ: مساحت اتاق خواب	مساحت خونه ما ۹۰ متر هست. دو تا اتاق خواب داره. هر دوشون بزرگه. یه ۱۲ متری و یک فرش کناره می‌گیره. هرکه میاد میگه خونتون بزرگه چون اتاق خوابای بزرگی داره.
نور طبیعی، روشنایی	هر جا نور طبیعی باشه بزرگتر به نظر می‌رسه. خونه ما مساحت خوب داره. الان پذیرایی ما نور طبیعی نداره و تاریکه. مستطیل و مربع هم هست. ولی بزرگ به نظر نمی‌رسه.
تناسبات کف اتاق خواب هندسه فضا	عرض اتاق خوابا مهم هستند در بزرگتر به نظر رسیدن فضا. ولی بزرگی در فضای پذیرایی به عرض فضا بستگی نداره. بستگی به شکل فضا داره؛ پذیرایی مستطیل شکل بزرگتره
میلان ظریف	کلا با توجه به مترهای امروزی من با عدم میل شدن فضاها مخصوصاً پذیرایی موافق هستیم. ما به دست میلان دوازده نفره داخل پذیرایمون داشتیم. اصلاً نمی‌شد رد بشی. حالا اونا رو برداشتیم و به جاش کابینه‌های ظریف شش نفره گذاشتیم خیلی بهتر شده و فضا بزرگتر به نظر میرسه.
بازشو در گوشه	یکی از اتاق خوابای خونه یه پنجره در کنج دیوار داره که رو به تراس باز میشه. به نظرم در بزرگتر نشون دادن فضا تأثیر داره.
مقیاس میلان	الان ما از اوین آشپزخونمون که یک طرفه است هم برای صرف صبحانه استفاده می‌کنیم و هم بعضی اوقات ازش برای مطالعه کتاب و مجله. همچنین میز نهار خوری آشپزخانه رو جمع کردم و به جاش یه میز کوچک گذاشتم. فضا خیلی بزرگتر نشون میده

مقیاس بازشو، قابلیت فضا، نفوذپذیری بصری، نفوذپذیری حرکتی، سلسله‌مراتب فضایی، مترای فضاها، فضای نیمه‌باز، سازمان‌دهی آشپزخانه، سازمان‌دهی ورودی، سازمان‌دهی اتاق خواب، میلان و متریا نهایی دسته‌بندی شدند (تصویر ۴).

۴. **بازنگری و ترسیم شبکه مقوله‌ها:** در گام چهارم پالایش مقوله‌ها در دو سطح صورت می‌گیرد: سطح اول بازنگری در رابطه با زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده از گام سوم (۱۵ زیر مقوله) و آیا زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده از پیوستگی لازم برخوردار هستند و می‌تواند دارای یک الگوی مشترک باشند. سطح دوم بازنگری



تصویر ۴. نمونه زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدهای حاصل از مصاحبه با ساکنان.

مرحله به‌نوعی مرحله کلیدی در تحلیل داده‌ها تلقی می‌شود (Bird, 2005: 239). خواندن و بازخوانی داده‌ها افزون بر کمک به آشنایی بیشتر با داده‌ها، به نوشتن ایده اولیه منجر می‌شود و زمینه را برای فرایند کدگذاری فراهم می‌کند.

۲. **تولید کدهای اولیه:** در این گام لازم است داده‌ها به روش نظام‌مند در کل مجموعه داده کدگذاری شده، سپس داده‌های مرتبط با هر کد جمع‌آوری گردد. روش تماتیک، مستلزم حرکت رفت و برگشتی مداوم بین کدهای مستخرج از متن مصاحبه‌ها و داده‌های جدید (مصاحبه جدید) است که به‌طور هم‌زمان توسط پژوهش‌گر نوشته می‌شود. کدهای تولیدی بر موضوع پژوهش تمرکز دارند. حاصل این گام ۷۸ کد اولیه بود که به صورت نمونه، نحوه استخراج کدها در یک مصاحبه در «جدول ۴» آورده شده است.

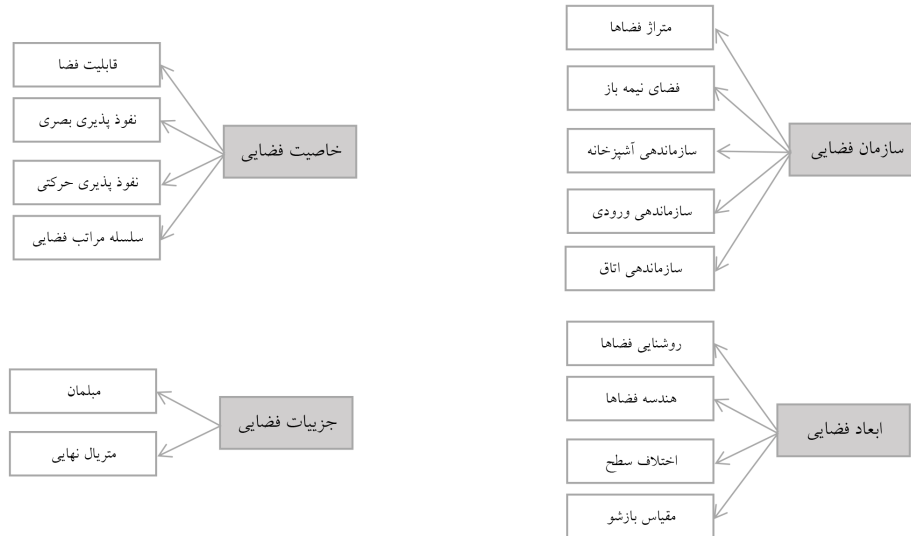
۳. **جست‌وجوی مقوله‌ها:** در گام سوم، تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها انجام می‌شود. کدهای حاصل از گام پیشین (۷۸ کد) تجزیه و تحلیل و در قالب مقوله‌های بالقوه ترکیب شده و همه داده‌های مرتبط با هر مقوله جمع‌آوری می‌شود. گام سوم، مستلزم پایان یافتن کدگذاری همه داده‌های مصاحبه می‌باشد. لازم به توضیح است که مقوله‌های به‌دست‌آمده در این مرحله پیش‌فرض بوده و ممکن است در گام بعدی اصلاح و یا ادغام بشوند. در پژوهش حاضر و به منظور فهم مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضامندی بر اساس دیدگاه ساکنان، جست‌وجوی مقوله‌ها در دو سطح انجام شد. در سطح اول کدهای مشابه در هم ادغام شده و در یک گروه گرفتند؛ حاصل تحلیل سطح اول پیدایش ۳۷ کد بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه در گام دوم بود. در سطح دوم بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های میان ۳۷ کد به‌دست‌آمده در سطح اول، مفاهیم در قالب ۱۵ زیر مقوله روشنایی فضا، هندسه فضا، اختلاف سطح،



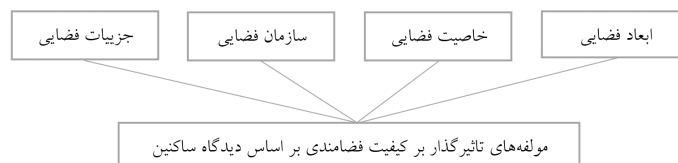
آخرین مرحله پالایش مقوله‌هاست. هنگامی که شبکه میان مقوله‌ها به‌طور کامل شکل گرفت و مورد بررسی واقع گردید، هر مقوله با بازگشت به داده‌های زیرمجموعه خود تعریف و الگوی کلی و روابط میان مقوله‌ها بیان می‌شود (جدول ۵). گام پنجم به منظور بیان مختصر و صریح روابط میان کدها و زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی بیان شده و سبب تفسیر قانع‌کننده‌تر از فرایند تحلیل می‌شود.

۶. تدوین گزارش تفسیر الگوها: هدف از گام ششم روایت کامل برآمده از داده‌هاست، به گونه‌ای که خواننده را با حکایت مختصر، منسجم و منطقی مقوله‌ها متقاعد کند. در این گام استنتاج شبکه مقوله‌ها و تبیین مفاهیم و الگوهای بدست آمده از متن مصاحبه‌ها انجام می‌شود. در ادامه (تصویر ۶)، مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضا مندی حاصل از تحلیل تماتیک داده‌های مصاحبه با ساکنان بر اساس تجربه زیسته آنها بیان شده است.

زیر مقوله‌ها در ارتباط با کل مجموعه به این منظور که آیا زیر مقوله‌ها نیز با یکدیگر در ارتباط هستند و انعکاس‌دهنده معنای مشهودی می‌باشند. به‌طور کلی هدف از گام چهارم، اطمینان از درستی زیر مقوله‌ها در ارتباط با کل داده‌ها و نیز افزودن کدهای احتمالی نادیده گرفته شده در مراحل قبلی به زیر مقوله‌های مرتبط و همچنین تشکیل مقوله‌ها در ارتباط با کل داده‌ها است. پایان این مرحله ارائه نقشه تماتیک تحلیل کدها می‌باشد. بازنگری نتایج مرحله قبل و مراجعه مجدد به محتوای مصاحبه‌ها، ارتباط نزدیک میان برخی زیر مقوله‌ها را نشان داد. نتیجه این گام ادغام زیرمقوله‌ها (۱۵ زیر مقوله به‌دست‌آمده از گام سوم) در چهار مقوله کلی ابعاد فضایی، خاصیت‌های فضایی، سازمان فضایی و جزئیات فضایی می‌باشد (تصویر ۵).
۵. تفسیر موجز مقوله‌ها: هدف از گام پنجم در تحلیل تماتیک آن است که خلاصه‌ای از مقولات اصلی برآمده از کدها و محتوای بررسی‌شده، روابط آنها و الگوها تعیین شود. این گام



تصویر ۵. ترکیب زیر مقوله‌ها در قالب مقولات جامع برگرفته از مصاحبه با ساکنان.



تصویر ۶. مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضا مندی بر اساس دیدگاه ساکنان.

جدول ۵. شرح مفاهیم، کدها و مقوله‌ها در ارتباط با مصاحبه از ساکنان.

مقوله	مقوله‌های اولیه (زیرمقوله)	کدها	مفاهیم (کدهای اولیه)
ابعاد فضایی	روشنایی فضاها	روشنایی نورگیر بودن فضا ارتباط با فضای باز	داشتن نور، وجود نور در پذیرایی، داشتن نورگیر در اتاق خواب، شفافیت فضا، فضای واضح و مشخص
	هندسه فضاها	تناسبات کف فضاها شکل فضا	عرض اتاق خواب، عرض پذیرایی، پذیرایی مربع شکل، سالن L شکل، عرض راهرو، هال مربع، پذیرایی مربع
	اختلاف سطح	اختلاف کف تفکیک فضایی	عدم تأثیر ارتفاع فضاها، ارتفاع در فضاها تجاری تأثیر داره نه تو خونه، ارتفاع پذیرایی و نه اتاق خواب، ارتفاع کم حس خفگی، ارتفاع زیاد دل‌بازی، جدایی هال و پذیرایی با ارتفاع، پله ته خونه بین پذیرایی و اتاق خواب
	مقیاس بازشو	پنجره قدی پنجره در وسط پنجره سرتاسری	وجود پنجره تأثیر نداره، پنجره سر تا سری، پنجره بزرگ، پنجره قدی، نور پنجره باعث بزرگی میشه و نه وجودش، قرارگیری پنجره در وسط
خاصیت فضایی	قابلیت فضا	توسعه فضاها تجمیع فضاها	اضافه کردن فضاها به یکدیگر، امکان نداشتن open آشپزخانه و اضافه کردن اون به پذیرایی
	نفوذپذیری بصری	پلان باز پیوستگی بصری	فضای بدون دیوار، آشپزخانه open بلند، آشپزخانه open کوتاه، نبود ستون در پذیرایی، عدم وجود تیغه بندی در فضای داخل، اشراف به کل خونه، نبود شکست در فضاها
	نفوذپذیری حرکتی	هندسه فضا کارایی فضایی پیوستگی حرکتی	فضای یکپارچه، در خانه‌های امروزی نه مگر خانه‌های قدیمی، نزدیکی هال و پذیرایی، چند ضلعی مرتب، عدم تکه تکه شدن
	سلسله مراتب فضایی	پلان معماری (طراحی معماری) تفکیک فضایی	قرارگیری مناسب فضاها، قرارگیری آشپزخانه و پذیرایی در یک سمت،
سازمان فضایی	متراژ فضاها	مساحت زمین مساحت تک فضاها	اندازه اتاق خواب، اندازه پذیرایی، اندازه پذیرایی و اتاق خواب، اندازه ورودی (فضای تقسیم)
	فضای نیمه باز	ایجاد تراس مقیاس تراس	تراس بزرگ تأثیر داره، تراس خوبه ولی نه در بزرگی فضای داخل تأثیر نداره،
	سازماندهی آشپزخانه	موقعیت آشپزخانه نورگیری آشپزخانه مترتال آشپزخانه	قرارگیری آشپزخانه نزدیک ورودی، آشپزخانه بزرگ، آشپزخانه باز، ارتفاع سقف آشپزخانه، نزدیکی آشپزخانه به پذیرایی، وجود نور در آشپزخانه، کابینت سفید، آشپزخانه L شکل
	سازماندهی ورودی	وجود فضای تقسیم اختلاف سطح در پیش ورودی	بزرگی پیش ورودی، وجود اختلاف سطح ورودی نسبت به بقیه فضاها، دید داشتن ورودی به کل پذیرایی، گذاشتن تزیینات در ورودی،
جزئیات فضایی	میلمان	مساحت اتاق خواب میلمان اتاق خواب	تعداد اتاق خوابها، تناسبات اتاق خوابها، چینش وسایل در اتاق خوابها
	میلمان	میلمان ظرفیت چینش صحیح میلمان میلمان انعطاف پذیر	عدم وجود میلمان، میلمان ظرفیت، فقط فرش روشن، تابلو فرش اونم رو دیوار (کم)، میل راحتی و نه استیل، چینش صحیح میلمان، میز ناهارخوری کوچک، کمد دیواری داخل راهرو
جزئیات فضایی	میلمان	رنگ روشن میلمان ظرفیت پرده روشن تزیینات محدود	تنوع رنگ فضاها، فرش روشن، نبود گچبری در سقف پذیرایی، کاغذ دیواری، پرده نازک، تابلو کم و ظرفیت، میلمان لوکس و مینیمال، استفاده از رنگ سفید به جای سنگ، کمد در راهرو، نبود شومینه



نتیجه‌گیری پژوهش

محیط‌های مسکونی، تنها به عنوان یک سرپناه و یک موضوع کمی مطرح نیستند. مسکن با کیفیت از الزامات رشد و ترقی یک جامعه است. در دهه‌های اخیر افزایش جمعیت، مهاجرت بی‌رویه به شهرها، تمایل به شهرنشینی، سرعت بالای تغییرات در بافت‌های مسکونی و افزایش ساخت‌وسازهای محیط شهری، موجب کاهش کیفیت مسکن شده که نتیجه این فرایند کاهش مترژ مساکن و به دنبال آن پایین آمدن میزان رضایتمندی ساکنان از مسکن خود بخصوص از فضای داخلی آن شده است. اهمیت فضای داخلی مسکن آن هم در مساکن آپارتمانی در رابطه با ساکنان بر کسی پوشیده نیست. عدم توجه به فضای داخلی مسکن موجب بروز اختلالات عصبی و روانی فراوانی در ساکنان می‌شود. فقدان مؤلفه‌ها و چارچوب هدایت و طراحی در خصوص فضای داخلی مسکن به خصوص مسکن آپارتمانی، وضعیت آشفته‌ای را برای طراحان و دست‌اندرکاران در رابطه با فضای داخلی مسکن رقم زده است؛ که حاصل آن تنزل کیفیت فضای داخلی محیط‌های مسکونی هم از نظر کمی و هم کیفی می‌باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های کالبدی فضایی مؤثر در بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضایی داخلی برای ساکنان بوده که سبب مطلوبیت و رضایتمندی آنها از فضای داخلی مسکن آپارتمانی می‌شود. نتایج حاصل نشان می‌دهد که:

به‌کارگیری پنجره‌های قدی و سرتاسری، قرارگیری بازوها در وسط، اختلاف سطح میان فضای آشپزخانه و پذیرایی با دیگر فضاها، طراحی اتاق‌هایی با عرض زیاد و همچنین استفاده از فضاها پرنور چه به صورت طبیعی با استفاده از نورگیری از جدارها و چه به صورت مصنوعی در قالب مؤلفه ابعاد فضایی موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضای داخل برای ساکنان می‌شود. امکان تفکیک و تجمع فضاها در فضای داخلی (نداشتن دیوار برای آشپزخانه)، عدم وجود ستون‌ها و تیغه‌ها در فضای داخلی به کمک بهره‌گیری از پلان آزاد، طراحی فضاها به صورت هندسه فضایی مرتب مانند چندضلعی منظم (مربع و مستطیل) بخصوص برای فضایی پذیرایی، طراحی آشپزخانه

به صورت اوپن، تفکیک عرصه عمومی از عرصه نیمه عمومی به وسیله راهرو در قالب مؤلفه خاصیت‌های فضایی سبب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضای داخلی مسکن آپارتمانی برای ساکنان می‌شود.

طراحی تراس برای اتاق‌های خواب، توجه به مساحت فضاها و وجود یک خواب بزرگ به نسبت دیگر اتاق‌های خواب، استفاده از میلمان ظریف (مانند تخت خواب) در اتاق‌های خواب، طراحی نکردن کمدهای دیواری برای اتاق‌های خواب، وجود بازشو و پنجره در آشپزخانه، به‌کارگیری رنگ روشن در فضای آشپزخانه، محل قرارگیری آشپزخانه در نزدیک ورودی، داشتن پیش‌ورودی به هنگام ورود به خانه در قالب مؤلفه سازمان فضایی موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضا برای ساکنان می‌شود. همچنین استفاده از میلمان ظریف و کم‌حجم با رنگ سفید در فضایی پذیرایی، قرارگیری پرده‌ها با رنگ روشن در فضاها، استفاده از ویتربین و کتابخانه در فضاها بخصوص فضایی پذیرایی و تزئینات محدود در سقف در قالب مؤلفه متربال‌نهایی از دیدگاه ساکنان موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضا برای آنها می‌شود.

نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در دو بخش بیان کرد: بخش اول شناخت مفهوم فضا‌مندی و همچنین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن می‌باشد. در پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با کیفیت فضا‌مندی تنها به معرفی لغوی این مفهوم (فضا‌مندی) و همچنین تعداد محدودی از مؤلفه‌های کالبدی مرتبط با آن پرداخته شده است؛ حال در پژوهش حاضر علاوه بر تبیین مؤلفه‌های مشخص شده، مؤلفه‌های فضایی تأثیرگذار بر مفهوم فضا‌مندی نیز مشخص شدند. بخش دوم فهم تأثیرگذاری مفهوم فضا‌مندی در ارتباط با بهبود کیفیت محیط مسکونی و ساکنان از آن. مطالعات صورت گرفته در ارتباط با محیط‌های مسکونی به‌ندرت به فضای داخلی مسکن آپارتمانی و ترجیحات ساکنان از فضای داخلی مسکن پرداخته‌اند؛ حال در پژوهش حاضر مفهوم فضا‌مندی در ارتباط با بهبود کیفیت در محیط مسکونی و به صورت خاص، فضای داخلی مسکن انجام گرفته است.

فهرست منابع

استراوس، انسلم؛ جولیت کریبن (۱۳۹۸)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌زمینه‌ای، تهران: نشر نی.

عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲)، الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران. هنرهای زیبا، ۱۳، ۶۴-۷۷.

غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۷)، راهکارهایی برای انعطاف‌پذیری مسکن معاصر با توجه به تغییرات الگوی خانواده در طی زمان. صغه، ۲۸ (۳)، ۵۰-۲۷.

فون مایس، پی.یر. (۱۳۹۰)، عناصر معماری از صورت تا مکان، ترجمه فرزین فردانش، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

قاسمی، حمید و ۴۸ استاد مؤلف بر اساس حروف الفبا (۱۴۰۰)، مرجع پژوهش، تهران: انتشارات روزنه.

قلمبردزفولی، مریم؛ تقی‌زاده، محمد؛ ماجدی، حمید (۱۳۹۷)، تبیین مبانی عوامل مؤثر بر شاخص‌های کیفی مسکن، هویت شهر، ۱۲ (۴)، ۹۷-۱۱۰.

گلستانی، سعید، حجت، عیسی و سعدوندی، مهدی. (۱۳۹۶)، جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران، نشریه هنرهای زیبا، ۲۲ (۴)، ۲۹-۴۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، تهران

مسگرانی، نونا؛ اجزا شکوهی، محمد؛ خاکپور، براتعلی؛ نقصان محمدی، محمدرضا (۱۳۹۷)، ارزیابی کیفیت محیط مسکونی مرکز شهر با تأکید بر پایداری، مورد مطالعاتی: محدوده سرشور و چهنو شهر مشهد، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱ (۲۳)، ۳۴۷-۳۵۹.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.

میرسلامی، مهسا؛ عمرانی‌پور، علی؛ خوشبخت بهرمانی، شوکا (۱۴۰۰)، مطالعه روابط فضایی اجتماعی در الگوی مساجد چهار ایوانی ایران (مطالعه موردی: مساجد جامع اصفهان، اردستان، قزوین و زواره)، اندیشه معماری، ۵ (۹)، ۱۹-۳۹.

Al-Zamil, F. A. (2017). The Impact of Design Elements on the perception of spaciousness in Interior Design. *International Design Journal*, 7 (2), 177-187.

Bird, C. M. (2005). How I stopped dreading and learned to love transcription. *Qualitative inquiry*, 11 (2), 226-248.

Braun, V., & Clarke, V. (2013). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3 (2), 77-101.

Bokharaei, S., & Nasar, J. L. (2016). Perceived spaciousness and preference in sequential experience. *Human factors*, 58 (7), 1069-1081.

Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage.

Diker, B., & Demirkan, H. (2022). Evaluating Interior Architectural Elements That Influence Perception of

اصغرخواه فرخوانی، مهدی؛ شاهدی، بهرام؛ افشاری، محسن و همکاران (۱۴۰۳)، شناسایی ترجیحات ویژگی‌های فضایی در خانه‌های آپارتمانی شهر بندرعباس با تأکید بر تجربه زیسته ساکنان، توسعه پایدار شهری، ۵ (۱۴)، ص ۶۱-۴۳.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۶)، سرشت نظم، گزیده جلد اول: پدیده حیات (ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری)، تهران: انتشارات پرهام نقش.

بخارائی، صالحه (۱۳۹۴)، فضا‌مندی: وجوه، حدود و عوامل تأثیر گذار، صغه، ۲۵ (۲)، ۵-۱۸.

بخارائی، صالحه (۱۴۰۱)، دل‌بازی و فضا‌مندی: تحلیل ساختار معنایی صفات وابسته به اندازه فضا در محیط مسکونی، مطالعات معماری ایران، ۱۱ (۲۲)، ۱۱۱-۱۳۲.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ اسکندری نسب، محمد؛ بیرانوند، محمد (۱۴۰۲)، مقایسه کیفیت زندگی در محلات خودرو و برنامه‌ریزی شده شهری؛ مطالعه تطبیقی محلات گوشه گاپله و شهرک اندیشه بروجرد. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۳۰، ص ۱۶۸-۱۴۸

حائری، محمدرضا (۱۳۹۵)، خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

دی کی چینگ، فرانسیس (۱۳۹۳)، معماری فرم، فضا و نظم، ترجمه زهره قراگزلو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رحمانیانی، یاسر (۱۴۰۰)، ارتقا کیفیت مسکن کوچک مقیاس مبتنی بر مؤلفه‌های معماری و شهرسازی از دیدگاه متخصصین و ساکنان (محدوده مطالعاتی: محله نواب شهر تهران)، رساله دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.

رضایی خبوشان، رضا؛ نعمتی مهر، مرجان (۱۴۰۰)، برنامه‌ریزی فضایی ارتقای کیفیت محیط مسکونی مبتنی بر نتایج ارزیابی رضایتمندی ساکنان مورد پژوهش: مسکن مهر شهر جدید پردیس، صغه، ۳۱ (۳)، ۷۹-۹۶.

زنگنه، نجمه؛ مضطرزاده، حامد؛ تقی‌پور، ملیحه؛ طاهره، نصر (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر انواع ساختار فضایی بر میزان تفکیک قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه‌های سنتی درون‌گرای ایران به روش چیدمان فضا، مطالعه موردی: خانه‌های قاجاری شیراز، مدیریت شهری و روستایی، ۱۹ (۵۹)، ۴۵-۶۲.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

شولتز، کریستن نوربرگ (۱۳۸۲)، معماری: معنا و مکان، ترجمه نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.

ضرابی‌الحسینی، مهسا (۱۴۰۰)، راهبردهای طراحی به منظور ارتقای کیفیت احساسی و عملکردی خانه، رساله دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت



- Spaciousness in Isolated, Confined, and Extreme Environments. *International Journal of Digital Innovation in the Built Environment (IJIDIBE)*, 11 (3), 1-15.
- Franz, G., Von Der Heyde, M., & Bülthoff, H. H. (2005). An empirical approach to the experience of architectural space in virtual reality—exploring relations between features and affective appraisals of rectangular indoor spaces. *Automation in construction*, 14 (2), 165-172.
- García Mira, R., Uzzell, D. L., Real, J. E., & Romay Martínez, J. (2017). Housing, space and quality of life.
- Glaeser, E., & Gyourko, J. (2018). The economic implications of housing supply. *Journal of economic perspectives*, 32 (1), 3-30.
- Graziano, M. S., & Cooke, D. F. (2006). Parieto-frontal interactions, personal space, and defensive behavior. *Neuropsychologia*, 44 (6), 845-859.
- Guest, G., MacQueen, K. M., & Namey, E. E. (2012). Validity and reliability (credibility and dependability) in qualitative research and data analysis. *Applied thematic analysis*, 79, 106.
- Hayward, S. C., & Franklin, S. S. (1974). Perceived openness-enclosure of architectural space. *Environment and Behavior*, 6 (1), 37.
- Howden-Chapman, P., Bennett, J., Edwards, R., Jacobs, D., Nathan, K., & Ormandy, D. (2023). Review of the impact of housing quality on inequalities in health and well-being. *Annual review of public health*, 44 (1), 233-254.
- Marion, F., & Pong, W. Y. (2005). On the unit of description in phenomenography. *Higher education research & development*, 24 (4), 335-348.
- Mather, M. and Ponzio, A., (2016), Emotion and Aging. In: Barrett L. F., Lewis M. Haviland-Jones J. M. Handbook of Emotions. New York: Guilford Press. Fourth Edition
- Mbazon, D. N. (2021). Assessment of the influence of on-campus housing quality and facilities on students' academic performance at the federal university of technology, Akure, Nigeria. *Baltic Journal of Real Estate Economics and Construction Management*, 9 (1), 14-32.
- Meagher, B. R., & Marsh, K. L. (2015). Testing an ecological account of spaciousness in real and virtual environments. *Environment and Behavior*, 47 (7), 782-815.
- Mouratidis, K. (2021). Urban planning and quality of life: A review of pathways linking the built environment to subjective well-being. *Cities*, 115, 103229.
- Nishihara, S., Okada, M., Miyake, H., Yamaguchi, H., & Yoshizawa, N. (2023, November). Calculation model of spaciousness in rooms with windows-Experimental procedure for spaciousness evaluation using VR. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 1099, No. 1, p. 012002). IOP Publishing.
- Ozdemir, A. (2010). The effect of window views' openness and naturalness on the perception of rooms' spaciousness and brightness: A visual preference study. *Scientific Research and Essays*, 5 (16), 2275-2287.
- Perolini, P. S. (2011). Interior spaces and the layers of meaning. *Design Principles & Practices-An International Journal*, 5-6.
- Sima, L. (2015). A study on small apartment design in China: Evaluation on the impressions of and preferences for the floor plans. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 14 (2), 307-314.
- Short, J., & Bassett, K. (2021). *Housing and residential structure: alternative approaches*. Routledge.
- Smith, J., & Firth, J. (2011). Qualitative data analysis: the framework approach. *Nurse researcher*, 18 (2), 52-62
- Stamps III, A. E. (2005). Visual permeability, locomotive permeability, safety, and enclosure. *Environment and behavior*, 37 (5), 587-619.
- Stamps III, A. E. (2007). Evaluating spaciousness in static and dynamic media. *Design Studies*, 28 (5), 535-557.
- Stamps, A. E. (2009). On shape and spaciousness. *Environment and Behavior*, 41 (4), 526-548.
- Stamps III, A. E. (2011). Effects of area, height, elongation, and color on perceived spaciousness. *Environment and Behavior*, 43 (2), 252-273.
- Stamps III, A. E. (2013). Effects of multiple boundaries on perceived spaciousness and enclosure. *Environment and Behavior*, 45 (7), 851-875.
- Stamps III, A. E., & Krishnan, V. V. (2004). Perceived enclosure of space, angle above observer, and distance to boundary. *Perceptual and motor skills*, 99 (3_suppl), 1187-1192.
- Stamps III, A. E., & Krishnan, V. V. (2006). Spaciousness and boundary roughness. *Environment and Behavior*, 38 (6), 841-872.



- Stevenson, O., & Prout, A. (2013). Space for play? Families' strategies for organizing domestic space in homes with young children. *Home Cultures*, 10 (2), 135-157.
- Svensson, R. (1984). Steady mildly relativistic thermal plasmas: processes and properties. *Monthly Notices of the Royal Astronomical Society*, 209 (2), 175-208.
- Tesch, R. (2013). *Qualitative research: Analysis types and software*. Routledge.
- Ünlü, A., Edgü, E., Şalgamcıoğlu, M. E., & Canakcioglu, N. G. (2022). Exploring perceived openness and spaciousness: the effects of semantic and physical aspects. *Architectural Science Review*, 65 (2), 162-174.
- Von Castell, C., Oberfeld, D., & Hecht, H. (2014). The effect of furnishing on perceived spatial dimensions and spaciousness of interior space. *PloS One*, 9 (11), e113267.
- Wang, C, Lu, W, Ohno, R, & Gu, Z. (2020). Effect of wall texture on perceptual spaciousness of indoor space. *International journal of environmental research and public health*, 17 (11), 4177.
- Weimann, A., & Oni, T. (2019). A systematised review of the health impact of urban informal settlements and implications for upgrading interventions in South Africa, a rapidly urbanising middle-income country. *International journal of environmental research and public health*, 16 (19), 3608.
- Wimalasena, N. N., Chang-Richards, A., Wang, K. I. K., & Dirks, K. N. (2021). Housing risk factors associated with respiratory disease: a systematic review. *International journal of environmental research and public health*, 18 (6), 2815.
- Zanuzdana, A., Khan, M., & Kraemer, A. (2013). Housing satisfaction related to health and importance of services in urban slums: evidence from Dhaka, Bangladesh. *Social Indicators Research*, 112 (1), 163-185.

